



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه علوم قرآن و حدیث

## پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث

معناشناسی نحوی تمییز در قرآن کریم و برابریابی آن به فارسی

استاد راهنما:

دکتر رضا شکرانی

استاد مشاور:

دکتر سید محمد رضا ابن الرسول

پژوهشگر:

سکینه خانی نجف آبادی

مهرماه ۹۰

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات،

ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع

این پایان نامه متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه علوم قرآن و حدیث

پایاننامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث

خانم سکینه خانی نجف آبادی

تحت عنوان

**معناشناسی نحوی تمییز در قرآن کریم و برابری آن به فارسی**

در تاریخ ۱۳۹۰/۷/۳۰ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با نمره ۱۹/۲۵ با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

۱- استاد راهنمای پایاننامه دکتر رضا شکرانی با مرتبه علمی استادیار امضاء

۲- استاد مشاور پایاننامه دکتر سید محمد رضا ابن الرسول با مرتبه علمی استادیار امضاء

۳- استاد داور داخل گروه دکتر اعظم پرچم با مرتبه علمی استادیار امضاء

۴- استاد داور خارج از گروه دکتر منصوره زرکوب با مرتبه علمی دانشیار امضاء

امضاء مدیر گروه

## شکر و تقدیر:

سپاس خدای منان را که آلاء و احسانش بر بندگان قابل احصاء نیست و کسی را توان شکر منت وافرش نباشد.

و با تشکر از:

استاد گرامی «جناب آقای دکتر شکرانی» که در طول دوران پژوهش، صبورانه زحمت ارشاد من را بر دوش کشیدند و همچنین دیگر اساتید بزرگوار دانشگاه که جهت ارتقاء علمی و معنوی اینجانب دشواریها را بر خود هموار نمودند، خصوصا اساتید ارجمند مشاور و داور که در این پایان نامه راهنمای اینجانب بودند.

## چکیده:

در این پژوهش، تمییزهای قرآن کریم بررسی شده است. با توجه به موارد کاربرد تمییز (مورد ۱۴۲) و تمییز جمله (مورد ۱۹۹) یکی از مبانی مترجم در ترجمه قرآن شناخت معنای صحیح از این نقش نحوی است. لذا مترجم باید ضمن آگاهی کامل به مباحث نحوی تمییز و مصادیق آن در سراسر قرآن بدانند در هر یک از اقسام تمییز چه ترجمه ای از آن ارائه دهد تا ترجمه او درست، روان و نزدیک به مدلول متن عربی قرآن باشد.

برای دریافت معانی تمییز، کلیه موارد تمییز در قرآن کریم استقصاء شده اند و با اسلوب شناسی ترجمه در تمییز مفرد و نیز محور قرار دادن شیوه های ترجمه ای آقای حیدر قلی زاده در مورد تمییز جمله و بررسی صحت و سقم نظرات ایشان در آیات مربوطه، برای هر کدام از این اقسام، برابری فارسی آن بیان گردید.

نتایج این پایان نامه مشخص می کند که در تمییز مفرد، هر کدام از اقسام آن به طور جداگانه معنی یا معانی مشخصی دارد و در تمییز جمله، به دو شیوه ی تفکیک نقش تمییز از عنصر مبهم و ادغام ساختار معنایی - نحوی تمییز با عنصر مبهم قابل ترجمه است به شرطی که فصاحت و بلاغت معنایی حفظ شود.

**کلید واژه ها :** قرآن، تمییز، اعراب، ترجمه.

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

پیشگفتار ..... ج

### فصل اول: کلیات

۱-۱ تعریف تمییز..... ۱

۲-۱ اقسام تمییز..... ۲

۱-۲-۱ تمییز مفرد یا تمییز ذات..... ۲

۱-۲-۱-۱ اسم مقادیر..... ۲

۱-۲-۱-۲ ملحقات بر اسم مقادیر..... ۳

۱-۲-۱-۳ عدد..... ۳

۲-۲-۱ تمییز جمله یا تمییز نسبت..... ۳

۳-۱ احکام تمییز..... ۴

۱-۳-۱ تمییز مفرد..... ۴

۲-۳-۱ تمییز جمله..... ۶

۴-۱ احکام عامل تمییز..... ۷

۵-۱ موارد اشتراک و افتراق حال و تمییز..... ۷

۶-۱ دلالت تمییز بر معنای معرفه یا نکره..... ۸

### فصل دوم: بررسی تمییز مفرد در قرآن کریم

۱-۲ معنا شناسی تمییز اسم مقادیر..... ۱۱



## عنوان

## صفحه

۱-۲-۱ اسم مقادیر از نوع شبه مقدار..... ۱۱

۲-۱-۲ اسم مبهمی که دلالت بر مماثلت یا مغایرت می کند..... ۱۳

۲-۲ معنا شناسی تمییز اعداد..... ۱۴

۱-۲-۲ تمییز اعداد صریح..... ۱۴

۲-۲-۲ تمییز اعداد غیر صریح (مبهم یا کنایی)..... ۳۳

## فصل سوم: بررسی تمییز جمله یا نسبت در قرآن کریم

۱-۳ بررسی معنای بلاغی در تمییز محول..... ۳۶

۱-۱-۳ معنا شناسی تمییز منقول یا محول..... ۳۸

۱-۱-۱-۳ عناصر مبهم با مفهوم کمی..... ۴۱

۱-۱-۱-۳ أقل..... ۴۲

۱-۱-۱-۳ أشد..... ۴۴

۱-۱-۱-۳ أكثر..... ۴۷

۲-۱-۱-۳ عناصر مبهم با مفاهیم کیفی یا فعلی..... ۴۹

۱-۲-۱-۱-۳ مفاهیم کیفی..... ۵۱

۱-۱-۲-۱-۱-۳ أقرب..... ۵۱

۲-۱-۲-۱-۱-۳ أقوم..... ۵۵

۳-۱-۲-۱-۱-۳ أكبر..... ۵۶

۴-۱-۲-۱-۱-۳ أعزّ..... ۵۹

۵-۱-۲-۱-۱-۳ أحسن..... ۶۰

۶-۱-۲-۱-۱-۳ خیر..... ۷۱

٧٩.....	٧-١-٢-١-١-٣ أعظم
٨١.....	٨-١-٢-١-١-٣ أضعف
٨٣.....	٩-١-٢-١-١-٣ أهدى
٨٤.....	١٠-١-٢-١-١-٣ أصدق
٨٥.....	١١-١-٢-١-١-٣ شرّ
٨٦.....	١٢-١-٢-١-١-٣ أضلّ
٨٧.....	١٣-١-٢-١-١-٣ أسرع
٨٨.....	١٤-١-٢-١-١-٣ أزكى
٨٩.....	١٥-١-٢-١-١-٣ أخسر
٩٠.....	١٦-١-٢-١-١-٣ أولى
٩١.....	١٧-١-٢-١-١-٣ أفصح
٩١.....	١٨-١-٢-١-١-٣ أمثل
٩٣.....	٢-٢-١-١-٣ مفاهيم فعلية
٩٣.....	١-٢-٢-١-١-٣ كفى
٩٤.....	٢-٢-٢-١-١-٣ زاد
١٠١.....	٣-٢-٢-١-١-٣ شرح
١٠٢.....	٤-٢-٢-١-١-٣ تبلغ
١٠٣.....	٥-٢-٢-١-١-٣ كبير
١٠٥.....	٦-٢-٢-١-١-٣ اشتعل

عنوان

صفحه

- ۱۰۶.....قرآ ۷-۲-۲-۱-۱-۳
- ۱۰۷.....وسع ۸-۲-۲-۱-۱-۳
- ۱۰۸.....أحاط ۹-۲-۲-۱-۱-۳
- ۱۰۹.....حَسُنَ ۱۰-۲-۲-۱-۱-۳
- ۱۱۰.....ساء ۱۱-۲-۲-۱-۱-۳
- ۱۱۱.....ضاق ۱۲-۲-۲-۱-۱-۳
- ۱۱۲.....استوی ۱۳-۲-۲-۱-۱-۳
- ۱۱۴.....فَجَّرَ ۱۴-۲-۲-۱-۱-۳
- ۱۱۵.....طاب ۱۵-۲-۲-۱-۱-۳
- ۱۱۶.....شغف ۱۶-۲-۲-۱-۱-۳
- ۱۱۷.....ملاً ۱۷-۲-۲-۱-۱-۳
- ۱۱۸.....«مِنْ» بیانیه از اسم موصول و شرط ۱۸-۲-۲-۱-۱-۳

نتیجه بیان

- ۱۳۴..... نامه
- ۱۳۵.....پوست ها
- ۱۵۹.....منابع

## پیشگفتار:

در این مقدمه به بیان موضوع تحقیق و ضرورت انجام آن، سؤالات تحقیق و پیشینه تحقیق خواهیم پرداخت.

### الف) موضوع تحقیق و اهمیت آن:

موضوع پایان نامه «معنی شناسی نحوی تمییز در قرآن کریم و برابری آن در زبان فارسی» است که در چند فصل به بیان تفصیلی آن پرداخته ایم.

از آغاز ترجمه قرآن کریم تاکنون ترجمه های بسیاری از قرآن ارائه شده که بیشترین آن به زبان فارسی بوده است. از آن زمان تا حال آرزوی همه مترجمان دستیابی به یک ترجمه درخور این کتاب آسمانی بوده است که با وجود مشکلات فراوانی که ترجمه متون تاریخی به خصوص کتب آسمانی و به ویژه قرآن کریم دارد، تا حد ممکن به پیام متن اصلی نزدیک باشد. از این رو هر مترجم به نقد ترجمه های قبل از خود پرداخته و دست به ترجمه جدیدی زده است که خالی از اشکالات دیگر نبوده و چه بسا خود مترجم پس از مدتی به آن اقرار کرده است. در این بین، ما با اقرار به این که ترجمه قرآن کریم روند تکاملی خود را سیر می کند، قائلیم که روند ترجمه قرآن باید بر اساس مبانی ترجمه باشد. یکی از پژوهش های لازم در این زمینه، تحلیل ساخت های نحوی قرآن کریم بر اساس کلیه عوامل مؤثر در شکل گیری معنای متن از جمله سیاق آیات و برابری آن در زبان مقصد است تا بتوان بر اساس ساخت های برابری شده، ترجمه ای منطبق با یافته های دانش زبان شناسی ارائه داد که در صورت تحقق این کار، دستاوردهای دیگری برای آن وجود دارد از جمله یک دستور زبان خاص قرآن و در نتیجه تسهیل آموزش قرآن. (رک. شکرانی، ۱۳۸۰: ۲۵)

با توجه به آنچه گفته شد، ما در این پژوهش برآنیم تا به بررسی «تمییز» در قرآن کریم بر اساس استقراء تام تمامی اقسام تمییز با توجه به آنچه بیان شد، پردازیم.

مترجمان قرآن کریم در بیان معنای اقسام تمییز شیوه یکسانی را در پیش نگرفته اند و هر یک به مقتضای ذوق ادبی و تجربه خویش به ترجمه آن مبادرت کرده اند. مثلاً در ترجمه عبارت «امثلهم طریقاً» (طه ۲۰: ۱۰۴) مکارم شیرازی «نیکو روش ترین آنها»، معزی «بهترین ایشان در روش»، فولادوند «نیک آیین ترین آنان»، ترجمه دهم هجری «بهتر ایشان به راه»، صفارزاده «یکی از آنها که عاقل تر است»، رضایی «بهترین نمونه آنان از نظر روش» و طبری «بهترین ایشان بگفتار» معنی کرده اند.

با توجه به موارد کاربرد تمییز مفرد ( ۱۴۲ مورد) و تمییز جمله ( ۱۹۹ مورد) در قرآن کریم، تمییز یکی از مصادیق مهم ساخت های نحوی قرآن است که شناخت معنای صحیح تمییز و برابریابی فارسی آن از جمله امور پژوهشی بایسته در تحلیل ساخت هاتی نحوی قرآن و برابریابی آن در زبان های دیگر و به طور خاص فارسی می باشد . از این رو مترجم باید ضمن آگاهی کامل از مباحث نحوی تمییز و مصادیق آن در سراسر قرآن بداند در هر یک از اقسام تمییز چه ترجمه ای از آن ارائه دهد تا ترجمه او درست، روان و نزدیک به مدلول متن عربی قرآن باشد. این پژوهش که بخشی از یک طرح بزرگ در زمینه ترجمه قرآن خواهد بود، از یک طرف به مترجم کمک خواهد کرد تا به کاربردهای تمییز در اسلوب های مختلف جمله پی برد و در نتیجه بتواند برای اسلوب های همسان ، ترجمه های همسان نحوی انتخاب کند و از طرف دیگر در نوشتن یک دستور زبان خاص قرآن، قابل استفاده خواهد بود ، نیز نقد ترجمه های قرآن را علمی کرده و درستی و نادرستی های ترجمه های قرآن را مشخص می نماید. اهمیت این پژوهش هنگامی مشخص خواهد شد که بدانیم برای دست یافتن به یک ترجمه در خور قرآن عظیم یکی از مقدمات لازم تحلیل ساخت های نحوی آن با توجه به برآیند نظر نحویان، مفسران و تحلیل سیاق آیات با توجه به یافته های علم زبان شناسی و معنی شناسی برای دست یافتن به معادل آن در زبان مقصد است.

اگر بخواهیم اهداف این پژوهش را به طور مختصر بر شمریم، اهداف زیر برای این پایان نامه متصور است:

- ۱ - استخراج کلیه تمییز های قرآن کریم براساس آراء نحویان، مفسران و کتب اعراب القرآن.
- ۲ - دسته بندی تمییز به انواع تمییز (جمله و مفرد) و بررسی آرای نحویان در مورد آن و بیان نقاط قوت و ضعف آن با توصیف و تحلیل ساخت های نحوی- قرآنی تمییز .
- ۳ - نقد و بررسی ترجمه های منتخب فارسی ارائه شده از تمییز و ارائه ترجمه ای مناسب و حتی الامکان همسان برای هر یک از ساخت ها و اسلوب ها به زبان فارسی.

#### **ب) پرسشها:**

اقسام تمییز در قرآن به لحاظ ساخت و اسلوب قابل دسته بندی، و در ترجمه آن، قابل ارائه مدلی حتی الامکان همسان برای ساخت و اسلوب می باشد. سؤال های زیر ما را به این پژوهش وا داشته است:

- ۱ - موارد قطعی تمییز در هر یک از ساختار نحوی قرآن کدام است؟
- ۲ - آیا هر یک از ساخت های نحوی تمییز دارای اسلوب واحد یا اسلوب های متعدد است؟
- ۳ - مترجمان قرآن کریم تا چه میزان در معادل یابی تمییز در زبان فارسی موفق بوده اند؟

۴ - آیا با توجه به ساخت ها و اسلوب ها می توان برای هر ساخت و اسلوب، ترجمه همسانی ارائه داد؟

### ج) پیشینه بحث:

پیشینه این پژوهش در سه بخش باید بررسی شود: ۱- پیشینه بررسی نحوی تمیز ۲- پیشینه ترجمه های تمیز ۳- پیشینه تحلیل ساختار تمیز به منظور برابری آن در فارسی.

در بخش اول کلیه مباحثی که نحویان، بلاغیان، علمای اعراب القرآن و مترجمان از این واژه به دست می دهند قرار می گیرد که در کلیه کتب نحو عربی، به بیان و بررسی ساخت تمیز و اعراب آن پرداخته شده است و به دلیل بداهت موضوع نیازی به ذکر این کتب نیست.

اما نحویان در مورد تمیز، بسیار به ندرت به مباحث معناشناسانه پرداخته اند؛ مثلاً در کتاب **"شرح الرضی علی الکافی"**، تمیزی که اشاره به اصل و جنس شیء می کند، از نوع تمیز مفرد می داند مانند «حدیدا» در «خاتم حدیدا» و سپس می گوید: **این نوع تمیز، اکثراً مجرور است** به این دلیل که ابهام زیادی در آن نیست. (رک. استرآبادی، ۱۳۹۸ق. ۲. ۵۷). با توجه به این که تمیز برای رفع ابهام اسم یا نسبت ماقبل خود به کار می رود و با توجه به بیان صاحب این کتاب مبنی بر این که در نوع تمیزی که آورد ه به علت نبود ابهام زیاد، اکثراً مجرور به کار می رود می توان نتیجه گرفت که اعراب های مختلف مانند اعراب نصب و جر در چنین مواردی صرفاً زبانی است و به کاربرد اقل و اکثری این ساختار بر می گردد و از این رو معنای بلاغی در آن درج نشده است.

در کتب اعراب القرآن یا بلاغی نیز، موارد بسیار جزئی از نکات بلاغی و معناشناسی یافت می شود مانند آن چه در مورد آیات «تری اعینهم تفیض من الدمع» و «واشتعل الرأس شیباً» و «وفجرنا الارض عیوناً» دیده می شود (رک. صافی، ۱۴۱۸. ۷. و رازی، ۱۹۸۵. ۲۶۳ و زمخشری، ۱۴۰۷. ۴. ۴۳۴) که در ذیل این آیات، نظرات آنها بررسی می شود.

در مورد پیشینه بخش دوم این پژوهش یعنی ترجمه های تمیز در قرآن کریم، با مراجعه به ترجمه های تمیز در قرآن کریم ذیل آیات مربوط و بررسی ترجمه های هر قسم از اقسام تمیز در می یابیم که ترجمه های تمیز، اغلب متفاوت و مختلف ترجمه شده اند و می توان نتیجه گرفت که ترجمه تمیز در ترجمه های قرآن در نزد هر یک از مترجمان مبتنی بر نظریه خاص نبوده است که بررسی این موضوع را در بخش برابری قرآنی تمیز در ترجمه ها و می گذاریم.

اما نسبت به پیشینه تحلیل تمیز به منظور برابری فارسی آن به مطالب زیر دست یافتیم:

۱- خسرو فرشید ورد در کتاب **عربی در فارسی** تمییز نسبت عربی را معادل نوعی قید یا گروه قیدی کیفیت فارسی می داند و دو معادل فارسی برای تمییز نسبت قائل است: الف- به صورت اسم عربی تنوین دار مانند رسما، عملا، شرعا، عرفا، روحا و ... ب- به صورت متمم قیدی که با «به»، «در» و «از» به معنی «از حیث» و «از لحاظ» ساخته می شود مانند: «شاهدی از لطف و پاکی رشک آب زندگی» (فرشید ورد، ۱۳۷۳. ۳۱۴) همان طور که ملاحظه می شود نویسنده، از مثال فارسی به عنوان شاهد سخن خود استفاده کرده است و از شاهد مثال عربی غفلت نموده است.

۲- منصوره زرکوب در کتاب **روش نوین فن ترجمه**، معادل «کم» خبری را در فارسی، ساختار جمله تعجبی می داند مانند کم کتاب لک: وای، چقدر کتاب داری! (رک. زرکوب، ۱۳۷۳. ۱۷۷) و نیز در ترجمه تمییز افعال تفضیل می گوید: «تمییز را به همراه «از نظر» آورده و یا تبدیل به شکل محول آن می کنیم مانند: «فلیس من شک فی ان الشوقی قد کان اعمق ثقافت من حافظ» در این مثال «ثقافت» تمییز است که در اصل فاعل «اعمق» است و ترجمه آن چنین است:

شک نیست که شوقی از نظر فرهنگی عمیق تر و ژرف تر از حافظ ابراهیم بوده است - یا- شک نیست که شوقی فرهنگی عمیق تر و ژرف تر از حافظ ابراهیم داشته است». (همان. ۴۶)

۳- در کتاب **عدد در زبان عربی** تالیف غلامرضا کریمی فرد به ترجمه معدود اعداد پرداخته شده که مطالب مربوط به این بحث در مباحث تمییز عدد می آید. (رک. کریمی فرد، ۱۳۷۹. ۴۷-۴۸)

۴- آذرتاش آذرنوش در کتاب **آموزش زبان عربی**، معادل تمییز عربی در فارسی را قید می داند و قائل به سه معنی در قید تمییز است که عبارتند از: ۱- معنی «از» مانند امتلاً الکوب ماء: فنجان از آب پر شد. ۲- معنی «به عنوان»: جاء صفق للشعب: به عنوان صفت برای شعب آمده است. ۳- به معنی «از نظر» انا اکثر کم مالا: من بیشترین شما از نظر علمم « آذرنوش، ۱۳۸۵. ۲. ۴۰-۴۱» ملاحظه می شود آن چه نویسنده به عنوان ترجمه قید تمییز آورده، فقط ترجمه تمییز جمله را شامل می شود که مبتنی بر مثال های قرآنی نیست.

۵- حیدر قلی زاده در کتاب **مشکلات ساختاری ترجمه قرآن**، بر این باور است که تمییز از نظر ساختار معنایی، تنها نقش یک متمم معنایی را دارد؛ یعنی در واقع، کامل کننده معنای یک عنصر نحوی دیگر است و از نظر معنایی عنصری علی حده به شمار می رود. این عنصر معنایی در جواب پرسش هایی چون از چه نظر؟ از چه لحاظ؟ از چه جهت؟ از چه جنبه؟ به عنوان چه؟ از چه؟ و جز آن ها و نیز برای تفسیر یا رفع ابهام معنایی عنصر نحوی - معنایی دیگر به کار می رود. ایشان بر این

باور است که در ترجمه تمییز مفرد معمولاً هیچ مشکلی پیش نمی آید و عمده مشکلات در ترجمه تمییز به تمییز جمله بر می گردد. سپس به تفصیل به بیان ترجمه تمییز جمله می پردازد که نظرات ایشان را در جای خود می آوریم. (رک. قلی زاده، ۱۳۸۰، ۵۶-۷۱)

چنان چه بررسی شد هیچ یک از تحلیل های فوق به جز کتاب اخیر به بررسی استقرائی تمییز در قرآن و برابری آن نپرداخته است از این رو در پی پژوهش، ضمن استفاده از نظرات مذکور به بررسی و تحلیل ترجمه های تمییز در قرآن بر اساس استقراء تام اقسام تمییز می پردازیم.

### (د) روش تحقیق و مراحل آن:

روش پژوهش در این تحقیق توصیفی و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ای است. این تحقیق در ۴ مرحله به شرح زیر انجام گرفته است:

۱- استخراج آیاتی که در آن یکی از اقسام تمییز آمده است.

۲- دسته بندی اقسام تمییز بر اساس اقسام نحوی و اسلوب، و بررسی معانی مختلف تمییز از نگاه نحویان، مفسران و زبان شناسان با توجه به تمام عوامل موثر در شکل گیری معنای متن به ویژه سیاق.

۳- بررسی ترجمه های منتخب ذیل آیات استخراج شده و دسته بندی آنها.

۴- جمع بندی و نتیجه گیری.

به این منظور پس از استخراج کلیه آیاتی که در آن تمییز به کار رفته است معنای این نقش نحوی را با توجه به آراء نحویان در کتب اعراب القرآن و آراء مفسران در کتب تفسیری و به کمک سیاق مشخص نموده و با بررسی ده ترجمه و سرانجام دیدگاه های مختلفی که در این زمینه وجود دارد، به بیان معادل یا معادل های تمییز در قرآن به زبان فارسی می پردازیم. این ده ترجمه به پیشنهاد استاد راهنما و با در نظر گرفتن سیر تاریخی ترجمه و ویژگی های دیگری همچون تخصص مترجم در زمینه زبان شناسی یا تفسیرانتخاب شده اند و عبارتند از: ترجمه طبری، آیتی، مصباح زاده، فیض الاسلام، معزی، الهی قمشه ای، فولادوند، مکارم شیرازی، صفار زاده و رضایی اصفهانی.



## فصل اول:

### کلیات

#### ۱-۱ تعریف تمییز:

اصطلاح تمییز در دستور زبان فارسی و عربی تعاریف متفاوتی دارد. ابتدا به تعریف تمییز در فارسی پرداخته و سپس با تعریف تمییز در عربی، مباحث مربوط به تمییز را ادامه می دهیم.

#### الف- تمییز در فارسی:

اصطلاح تمییز در دستور زبان فارسی به اسمی گفته می شود که از جمله رفع ابهام می کند و به همراه فعلهای مصادری از قبیل گفتن، خواندن، دانستن، شمردن و نامیدن همراه هستند؛ مثلا: «خراسان را خاوران می گفتند» کلمه «خاوران» تمییز است و اگر از این جمله، کلمه «خاوران» حذف شود جمله به صورت زیر در می آید که نسبت فعل «می گفتند» به «خراسان» روشن نیست و جمله با وجود ذکر مفعول، مفهومی ناقص و نارسا دارد «خراسان را ... می گفتند» (انوری، ۱۳۷۰. ۲. ۱۲۰-۱۲۱) بنابراین می توان گفت که معادل تمییزهای فارسی در زبان عربی، مفعول دوم است «همان»

از مطالب فوق به دست می آید که تعریف تمییز در نحو فارسی و عربی، تقریبا یکسان ولی در مصداق متفاوت است و

نیز تمییز در نحو فارسی فقط رفع ابهام از نسبت می کند و در نحو عربی رفع ابهام از مفرد و جمله می نماید.

## ب- تمییز در عربی:

تمییز، مصدر باب تفعیل و از ماده «میز» به معنای جدا ساختن چیزی از چیز دیگر است. «طریحی، ۱۴۰۸، ق. ۴. ۳۶»

نحویان زبان عربی در تعریف تمییز و دسته بندی ها و اقسام آن نظرات مختلفی ارائه کرده اند که اغلب آنها یکسان و در مواردی نیز اختلاف نظر وجود دارد که به طور مختصر بخشی از آن را می آوریم:

تمییز در اصطلاح نحو، اسم نکره جامد منصوبی است که برای رفع ابهام از اسم یا نسبت پیش از خود، به کار می رود. «ابن هشام، ۱۹۷۹، م. ۶۰۰» جزء رفع کننده ابهام را تمییز یا ممیز، تبیین یا مبین، تفسیر یا مفسر می نامند. «سیوطی، ۱۳۸۸ ش. ۲۶۳ و ابن عقیل، ۱۳۸۴ ش. ۱. ۶۶۳»

باید توجه داشت آنچه در نحو عربی، تمییز نسبت نامیده می شود، در دستور زبان فارسی، معمولاً قید به شمار می آید؛ مانند «هو ارجح منك عقلاً» او از نظر عقل برتر از توست. «(رک. آذرنوش، ۱۳۸۵ ش. ۲. ۴۰)»

## ۱-۲ اقسام تمییز:

تمییز شامل دو قسم تمییز مفرد یا تمییز ذات، و تمییز جمله یا نسبت است

### ۱-۲-۱ تمییز مفرد یا تمییز ذات:

برای بیان اسماء مبهم (سنجه های قراردادی- عرفی) به کار می رود و جنس یا نوع ممیز خود را بیان می کند. این اسماء مبهم عبارتند از: اسم مقادیر، ملحقات بر اسم مقادیر و عدد.

#### ۱-۲-۱-۱ اسم مقادیر: که بر سه قسم است:

الف- وزن: مانند «رطل» که در این مثال، «عسلاً» تمییز آن است. «اهدی الی رطلاً عسلاً» به من یک رطل عسل، هدیه کرد»

ب- حجم: مانند «صاعا» که «تمرا» تمییز آن است. «اشتریت صاعاً تمرأ» یک صاع (پیمانه ای با حجم معین) خرما خریدم»

ج- مساحت و طول: مانند «فدان» که «عنبا» تمییز آن است. «جنیت محصول فدانِ عنبا= محصول یک فدان (مساحتی از زمین مانند هکتار) انگور را چیدم» (رک. حسن، ۱۹۶۶. ۲. ۳۸۹)

### ۱-۲-۱-۲ ملحقیات بر اسم مقادیر:

الف- مقادیری که متفرع از تمییز است مانند «قدم الی العروس خاتما ذهبا و عقدا لؤلؤا» به عروس انگشتی از طلا و گردنبندی از مروارید تقدیم کرد.» که «خاتم» فرع طلاست و در این مثال «ذهبا» تمییز آن شده است.

ب- اسماء مبهمی که دلالت بر مماثلت یا مغایرت کند مانند «من لنا بمثلک بطلا= ما چه قهرمانی مثل تو داریم؟»، «ما لنا غیرک سندا= ما تکیه گاهی جز تو نداریم» «بطلا» و «سندا» تمییز برای اسم مبهم «مثل» و «غیر» است که «مثل» دلالت بر مماثلت و «غیر» دلالت بر مغایرت دارد.

ج- شبه مقدار: مانند «فمن يعمل مثقال ذرة خیرا یره» «هر کس به سنگینی ذره ای کار خیر کند آن را می بیند.» در این مثال، «خیرا» تمییز شبه مقدار برای «مثقال» است.

### ۱-۲-۱-۳ عدد:

شامل عدد صریح و عدد غیر صریح (مبهم یا کنایی) است. عدد صریح کلیه اعداد طبیعی را شامل می شود. مانند: «هنا خمسة رجال= در این جا پنج مرد هست» و عدد غیر صریح (رک. سیوطی، ۱۳۸۸. ش ۲۶۴) مثل: «کم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة باذن الله» «بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار، به اذن خدا پیروز شدند.» (فولادوند)

### ۱-۲-۲-۱ تمییز جمله یا تمییز نسبت:

تمییز جمله یا نسبت، از جمله یا اسناد رفع ابهام می کند مانند «فاض النهر ماء= جوی، پر از آب شد» که «ماء»، ابهام نسبت پر شدن به جوی را برطرف می سازد. (رک. حسن، ۱۹۶۶. ۲. ۳۹۰ و ابن عقیل، ۱۳۸۴. ش ۱. ۶۶۴)

تمییز نسبت بر دو قسم تمییز منقول یا محول و تمییز غیر منقول یا غیر محول تقسیم می شود:

۱- تمییز منقول یا محول: تمییز منقول یا محول به این معناست که اصل تمییز، نقش اعرابی دیگری داشته ولی از آن نقش به نقش تمییز تغییر یافته است.

تمییز منقول، خود بر سه نوع است:

الف- منقول از فاعل یا نائب فاعل مانند «فاض الاناء ماء» که در اصل «فاض ماء الاناء» می باشد.

ب- منقول از مفعول: مانند «حصدنا الارض قمحا = حصدنا قمح الارض»

ج- منقول از مبتدا: مانند «اخوك ارجح منك عقلا = عقل اخيك ارجح منك». (رک. حسن، ۱۹۶۶. ۲. ۳۹۰-۳۹۷ و

سیوطی، ۱۳۸۸ ش. ۲۶۶-۲۶۷)

۲- تمییز غیر منقول یا غیر محول: تمییزی است که نمی تواند اعراب فاعل، مفعول یا مبتدا بگیرد مانند «لله دره فارسا =

عجب سوار کاری است» (سیوطی، ۱۳۸۸ ش. ۲۸۶)

### ۱-۳ احکام تمییز:

#### ۱-۳-۱ تمییز مفرد:

\* اعراب تمییز مقادیر ثلاثه (حجم، وزن، مساحت و طول):

سه اعراب نصب، جر به «مِن» و جر به اضافه جایز است؛ مانند «اشتریت کیلة ارزأ- اشتریت کیلة ارز- اشتریت کیلة من ارز»  
«اشتریت درهما ذهباً- اشتریت درهم ذهب- اشتریت درهما من ذهب» «بعت محصول فدان قصباً - بعت محصول فدان قصب»  
- بعت محصول فدان من قصب»

\*\* اعراب تمییز عدد صریح:

۱- از عدد ۳ تا ۱۰، تمییز مجرور به اضافه می شود و غالباً، تمییز جمع می آید مانند «شاهدت عشرة شجعان» و اگر تمییز، اسم جمع یا اسم جنس باشد، تمییز مجرور به «مِن» می آید مانند «عاد اربعة من الجماعة او القوم المسافرين» و «قطنت اربعا من الثمر»

۲- تمییز اعدادی که دلالت بر صد یا هزار کند مانند «مئات، الف، الاف، مئتان و غیره»، باید مفرد و مجرور به اضافه است

مانند «فی المكتبة العامة مئة منضدة و مئتا كرسي و ثلاثمئة رف و خمسة الاف كتاب»